

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی

۲۰ جولای ۲۰۲۱

## سرمایه‌گذاری عظیم چین در ایران، امریکا را از صحنه بیرون می‌افکند

دنیای جدیدی در شرق در حال پدید آمدن است که نتیجه مستقیم دیدگاه‌های وهم‌آلود امریکائی‌ها از موقعیت خود در جهان است.



چین بتازگی اعلام کرده است که در طی ۲۵ سال آینده در مقابل نفت ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این جدیدترین اقدام در مخالفت با امریکا و تحریم‌های ثانویه این کشور است. نهایتاً همه اینها به کجا منتهی خواهد شد؟

۴۰۰ میلیارد دلار مبلغ قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری در ایران است، کشوری که قطعاً از زمانی که دونالد ترامپ قرارداد برجام را یکجانبه فسخ کرده، کشور فقیری شده است. در عوض، چین قیمت مناسبی در مقابل نفت پرداخت خواهد کرد و هر دو طرف از مزیت دو جانبه ارسال این پیام صریح به واشنگتن بهره‌مند خواهند شد که روزهای شما به عنوان یک ابرقدرت که با اعمال تحریم قادر به آزار و اذیت کشورهای دیگر بودید، به پایان رسیده است. این معامله واقعاً آخرین چیزی بود که جو بایدن در طول این شش ماه ریاست جمهوری خود به آن احتیاج داشت، در ششماهی که موضع دولت ایالات متحده در رابطه با شعار "بازگشت امریکا" در برابر روسیه و چین ضعیف و در خاور میانه رقت‌انگیز بود. "امریکا بازگشته". با توجه به این که ایران به حملات پهلادی خود علیه نیروهای مسلح ایالات متحده ادامه می‌دهد و طالبان به سرعت در حال تصرف افغانستان است و مذاکرات ایران در وین کم و بیش درگیر تنظیم طرحی است که گاردین با حسن تعبیر آن را "نقشه راه" می‌نامد می‌توانیم سؤال کنیم امریکا به چه چیز بازگشته؟

قرارداد سرمایه گذاری چین با ایران دارای پیامی روشن و محکم برای جو بایدن است، که قصد دارد از سیاست ژئوپلیتیکی لنگ "دیپلماسی نرم" امریکا بهره ببرد و در سیاست‌های واقعی مداخله کند، که عملاً به معنای سرمایه گذاری است. همانطور که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در حالی که قیمت هر بشکه به بالاترین سطح شش ساله خود رسیده است، در بین خود در مورد بهره وری نفت بحث می کنند و تعامل با ایران بیشتر از هر زمان دیگری بعید به نظر می‌رسد، منطقه بیش از هر زمان دیگری تردید پیدا کرده که هژمونی امریکا در منطقه، یک جاده یک طرفه است؟ و خاورمیانه روز به روز بیشتر به شرق متمایل می‌گردد. نه تنها "اسد" دوست جدید رهبران شورای همکاری خلیج فارس شد چون استادانه از روس ها به عنوان تضمینی برای حفظ قدرت خود استفاده کرد، بلکه سبب شد که نخبگان عرب در خلیج فارس نیز به چین به عنوان یک شریک جدید بالقوه نگاه کنند و به عنوان یک شریک دراز مدت مطمئن به آن اعتماد نمایند.

یکی از دلایلی که یک برجام جدید و تصحیح شده با ایران بسیار بعید به نظر می‌رسد، همین است. واشنگتن می‌تواند اساساً برای چه مدتی عدم توسل به تحریم را تضمین کند؟ تا پایان دوره ریاست جمهوری جو بایدن؟ رهبران خاورمیانه و منطقه MEMA (خاورمیانه، مدیترانه و افریقا) مانند مصر در جست و جوی راه حلی برای جلوگیری از بهار عربی قریب الوقوع ۲۰۰ هستند و تقاضای کمک از بایدن را بی‌معنی می‌دانند و به همین دلیل به "اسد" نزدیک می شوند تا اگر این فاجعه رخ داد، شاید روسیه (و حتی چین) از آنها حمایت کند و آنها را بر اریکه قدرت نگه دارد.

برای تحقق یافتن چنین ترتیبی، تعاملی لازم است که از راکت و تفنگ ساده فراتر فراتر رود – مشروط بر این که دولت بایدن اجازه فروش ۲۳ میلیارد دالری جنگنده‌های F35 به امارات متحده عربی را بپذیرد – البته این نگرانی وجود خواهد داشت که در صورت نزدیک شدن بیجینگ به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، این فناوری با چینی ها به اشتراک گذاشته شود.

اما این توافق گسترده با ایران پیامی را به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ارسال می‌دارد که واشنگتن باید آن را درک کند: چینی ها بازیگران دراز مدتند، که به دنبال شرکای دراز مدت می‌باشند و بسیاری از نخبگان در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به این معامله نظر افکنده و آن را بررسی کرده و سؤال می‌کنند که چرا نباید از چین برای مشارکت بیشتر در بخش‌های ساختمانی، انرژی، ارتباطات از راه دور و حتی دفاعی استفاده کرد.

خبر معامله چین و ایران کمابیش با اعلام خبر مخالفت امارات متحده عربی برای افزایش تولید نفت از سوی اوپک منتشر شد. این امر به بسیاری از نویسندگان رسانه های غربی این فرصت را داد تا "شکاف" بین امارات و عربستان را در روایت‌های خود برجسته کنند. در حقیقت، مدت زمان مدیدی است که این دو دولت قدرتمند عضو شورا با یک دیگر همخوانی ندارند و فقدان برادر بزرگ (یعنی عمو سام) هم که به این مشکلات افزوده است. در واقع، آنها در مورد ایران، قطر و حتی یمن دارای اختلاف نظرند، بنابراین جنگ لفظی در مورد ۲ میلیون بشکه در روز چیزی نیست که کسی را ناراحت کند.

اما معامله چین با ایران باید آنها را متزلزل کند و به آنها بفهماند که در خاورمیانه آشفتگی به وجود آمده است و نمی توان آن را تنها به گردن ایالات متحده انداخت، که عقب نشینی کرده و تنها با ارقام بازی ژئوپلیتیک می‌کند. درک بایدن از منطقه و تفاوت‌های ظریف آن اغلب توسط نویسندگان رسانه‌ها، فقط به این دلیل که بایدن سالها در کمیسیون سنا با این منطقه سرو کار داشته و در دوران او باما معاون رئیس جمهور بوده، غلوآمیز مطرح می‌شود. او واقعاً کم اطلاع بوده و از درک حساسیت رهبران این منطقه ناتوان است. بنابراین قابل درک است که او براحتی در دام ایران (که در واقع فکر

می‌کند که یک معامله برای لغو تحریم‌ها با امریکا به دردرسش نمی‌ارزد) بیفتند. رهبران این کشور به دنبال مدلهای دیگری از Big Brother هستند. معامله چین به منطقه و واشنگتن نشان می‌دهد که ایالات متحده دیگر آن قدرتی نیست که بتواند تأثیر بسیار زیاد از اقدامات اندک را انتظار داشته باشد. جهان در حال تغییر است، و اقدام ترمپ در سال ۲۰۱۸ برای خروج امریکا از برجام صرفاً باعث تقویت و تشویق دنیای جدید در شرق شده است که به عنوان پیامد مستقیم دیدگاه‌های وهم آلود امریکائی‌ها در مورد مرتبت و موقعیت خود در جهان، تجلی می‌یابد. از آنجا که ایران هم اکنون نفت به اصطلاح "غیرقانونی" به چین (و احتمالاً تا پایان سال به هند) می‌فروشد، تحریم‌های ثانویه‌ای که ترمپ اعمال کرده دیگر ارزش کاغذی را که روی آن نوشته شده است، نخواهد داشت.

روی ایران حساب کنید!

در ۱۱ جولای ۲۰۲۱ در بنیاد فرهنگ استراتژیک منتشر شد

تارنگاشت عدالت

دوشنبه، ۲۸ تیر [سرطان] ۱۴۰۰

نویسنده: مارتین جی

برگرفته از: لینکه تسایتونگ

منتشر شده در تاریخ: ۱۵ جولای ۲۰۲۱